

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

رد احادیثی که قائل بر سحر شدن رسول الله صلی الله علیه وسلم است



(ترجمه)

به جواب ربیع ربیع

پرسش

السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته!

برادر دوست داشتنی! سوالم در خصوص حدیث لبید بن اعصم و سحر شدن رسول الله صلی الله علیه وسلم است، آیا این حدیث عصمت نبوت را مجروح می‌سازد؟ در حالی که الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ (۳) إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ (نجم: ۳ و ۴)

ترجمه: و هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید! آنچه می‌گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست!

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾ (مائده: ۶۷)

ترجمه: ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای! الله تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می‌دارد؛ و الله، جمعیت کافران (لجوج) را هدایت نمی‌کند.

﴿إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا﴾ (اسراء: ۴۷)

ترجمه: آنگاه که ستم‌گران می‌گویند شما جز از مردی سحر شده پیروی نمی‌کنید.

آیا حدیثی که عایشه رضی الله عنه روایت کرده که لبید بن اعصم رسول الله صلی الله علیه و سلم را سحر نموده، به خاطری که مخالف عصمت رسول الله صلی الله علیه و سلم است، از لحاظ درایت مردود است؟

شیخ ما! از الله سبحانه و تعالی می‌خواهم که شما را به خیر و به بر پائی خلافت موفق گردانده و در روز قیامت با انبیاء، صدیقین، صالحین و شهداء حشر نموده و الله سبحانه و تعالی شما را حفظ نماید!

پاسخ

و علیکم السلام و رحمت الله و برکاته!

اول: بلی این حدیث از لحاظ درایت مردود می‌باشد؛ زیرا معنی رد حدیث از لحاظ درایت به چنین موردی مصداق دارد.

در کتاب شخصیه جلد ۱ صفحه ۱۸۸ آمده است: «... بلکه موضوع از این قرار است که وقتی حدیثی متناقض با آن چه باشد که به صورت قطعی المعنی در قرآن آمده در این صورت است که این حدیث از لحاظ درایت یعنی از لحاظ متن مردود می‌باشد؛ زیرا این حدیث متناقض با قرآن است...» هم‌چنان در صفحه‌ی ۹۳ جلد ۳ کتاب شخصیه تحت عنوان شروط قبول خبر آحاد آمده است: «خبر آحاد وقتی قبول می‌شود که شرایط پذیرش آن از لحاظ روایت و درایت تکمیل باشد... اما شروط قبولی خبر آحاد از لحاظ درایت این است که در تعارض با آن چه قوی‌تر از آن است، قرار نگیرد؛ خواه آن نص قوی حدیث متواتر باشد و یا حدیث مشهور...»

دوم: برای توضیح بیشتر این مسئله موارد ذیل را ذکر می‌کنم:

۱- رسول الله صلی الله علیه و سلم از هر ارتکاب حرام و مکروه معصوم است که دلایل در این خصوص قطعی می‌باشد، پس هر آن چه رسول الله صلی الله علیه و سلم انجام داده وحی از جانب الله سبحانه و تعالی بوده، خواه آن عمل فرض باشد و یا مستحب و مباح، الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ﴾ (احقاف: ۸)

ترجمه: من تنها از آنچه به سویم وحی می‌شود، پیروی می‌کنم

﴿قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي﴾ (اعراف: ۲۰۳)

ترجمه: بگو من فقط از آنچه از سوی پروردگارم به سویم وحی می‌شود، پیروی می‌کنم.

چنانچه او صلی الله علیه و سلم الگوی برای مسلمانان است؛ الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ (حشر: ۷)

ترجمه: هر آنچه فرستاده الله به شما داد، بگیرید و از آنچه نهی کرد، خود داری نمائید!

﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾ (آل عمران: ۳۱)

ترجمه: بگو اگر شما چنین هستید که الله (سبحانه و تعالی) را دوست دارید، پس مرا پیروی کنید تا الله (سبحانه و

تعالی) شما را دوست بدارد.

همچنان هر آن چه رسول الله صلی الله علیه و سلم گفته، خواه امر باشد و خواه نهی، آن وحی از جانب الله سبحانه و تعالی است.

۲- بلی، طوری که شما در سوال خود گفتید، مشرکین رسول الله صلی الله علیه و سلم را به سحر متهم کردند، اما قرآن جواب شان را طوری رد کرد که رسول الله صلی الله علیه و سلم مسحور نبوده و سحر نشده است؛ مثلاً در سوره‌ی اسراء این قول الله سبحانه و تعالی آمده است:

﴿نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَىٰ إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِنَّا تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا﴾
(اسراء: ۴۷)

ترجمه: هنگامی که به سخنان تو گوش فرامی دهند، ما بهتر می دانیم برای چه گوش فرا می دهند (و هم چنین) در آن هنگام که با هم نجوا می کنند؛ آنگاه که ستمگران می گویند: شما جز از انسانی که افسون شده، پیروی نمی کنید!

قرطبی در تفسیر این آیه کریمه فرموده است: «...آن‌ها از رسول الله صلی الله علیه و سلم قرآن را می شنیدند، سپس نفرت می ورزیدند و می گفتند؛ این شخص ساحر و مسحور است؛ چنانچه الله سبحانه و تعالی خبر داده است، این قول را قتاده و غیر از آن گفته است. ﴿وَإِذْ هُمْ نَجْوَىٰ﴾ یعنی آن‌ها در مورد تو نجوی می کردند، قتاده گفته است: نجوای ایشان این قول شان بود که می گفتند رسول الله صلی الله علیه و سلم مجنون و ساحر است که افسانه‌های پیشینیان را می آورد، و همین گونه تهمت‌ها را وارد می کردند. گفته شده است: وقتی عتبه اشراف قریش را به غذایی دعوت کرد که آماده کرده بود، رسول الله صلی الله علیه و سلم بر ایشان داخل شدند و بر آن‌ها قرآن قرائت کردند و آن‌ها را به سوی الله سبحانه و تعالی دعوت کردند؛ پس آن‌ها نجوا کردند و می گفتند که این شخص ساحر و مسحور است. هم‌چنان گفته شده است: رسول الله صلی الله علیه و سلم حضرت علی را دستور داد تا غذای آماده کند و بزرگان قریش را به آن دعوت کند. حضرت علی این کار را کرد و رسول الله صلی الله علیه و سلم وارد شد و بر آن‌ها قرآن را تلاوت نمود و آن‌ها را به توحید دعوت کرد و گفت:

﴿قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لِنُطِيعَكُمُ الْعَرَبُ وَتَدِينُ لَكُمْ الْعَجَمُ﴾

ترجمه: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بگوئید تا عرب شما را اطاعت کند و عجم در برابر شما فرمانبردار شوند.

از رسول الله صلی الله علیه و سلم می شنیدند؛ ولی آن‌ها ابا ورزیدند و در بین شان نجوا کنندگان می گفتند که این شخص ساحر و مسحور است؛ پس این آیه مبارکه نازل شد. زجاج گفته است که نجوی اسم مصدر است؛ یعنی آن‌ها صاحب نجوا یعنی اسرار بودند: ﴿إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ﴾ یعنی ابوجهل، ولید بن مغیره و امثال آن‌ها می گفتند؛ ﴿إِنَّا تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا﴾ یعنی آن‌ها از مرد سحر شده‌ای که سحر آن‌را مریض و امور و عقل‌اش را مختل ساخته پیروی می کنند. این مطلب را به خاطر می گفتند تا مردم را از او دور و متنفر سازند. «ختم.

منطوق این آیه کریمه رد است، بر آن چه مشرکین می گفتند که او مسحور است. مفهوم آیه مبارکه این است که رسول الله صلی الله علیه و سلم سحر و مسحور نبوده است. در سوره‌ای فرقان آمده است:

﴿وَقَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا * أَوْ يُلْقَىٰ إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا * انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا﴾ (فرقان ۷، ۸ و ۹)

ترجمه: و گفتند این چه رسولی است که غذا می خورد و در بازارها می گردد؟! چرا فرشته ای بر او نازل نشده تا به همراهش هشدار دهنده باشد؟ یا چرا گنجی بر او افکنده نشده؟ چرا باغی ندارد که از آن بخورد؟ و ستم گران گفتند شما جز از مردی جادوزده ای پیروی نمی کنید. بنگر چگونه برای تو مثلها زدند، به این ترتیب گمراه شدند و ره به جایی نمی برند.

و منطوق این آیه کریمه نیز رد است، بر آنچه گفتند که رسول الله صلی الله علیه وسلم سحر شده. مفهوم این آیه مبارکه این است که رسول الله صلی الله علیه وسلم سحر نشده و مسحور نبوده است.

۳- مجازات ساحر در اسلام قتل است که دلایل آن بسیار زیاد و مشهور است:

- حاکم در مستدرک خود بر صحیحین تخریج نموده و این حدیث صحیح الاسناد را از جندب خیر تخریج و روایت نموده که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است:

«حَدُّ السَّاحِرِ ضَرْبَةٌ بِالسَّيْفِ»

ترجمه: حد ساحر زدن با شمشیر است.

- در مسند شافعی آمده است که سفیان از عمرو بن دینار خبر داده که او از بجاله شنیده است که عمر رضی الله عنه نوشت: "اقتلوا كل ساحر وساحرة. قال: فقتلنا ثلاث سواحر؛ هر مرد ساحر و زن ساحره را بکشید، گفت: ما سه زن ساحره را کشتیم." و گفت خبر داده شدیم که حفصه همسر رسول الله صلی الله علیه وسلم کنیزی که آن را سحر کرده بود، به قتل رساند. به این ترتیب مجازات ساحر به معنی مشهوری که وجود دارد، مجازات قتل است.

سوم: حالا جواب سوال شما را در خصوص حدیث لبید ابن اعصم که رسول الله صلی الله علیه وسلم سحر شده بیان می کنیم:

مسلم از عایشه روایت کرده که یهودی از بنی زریق رسول الله صلی الله علیه وسلم را سحر کرد؛ او گفت: جریان قسمی بود که به رسول الله صلی الله علیه وسلم گمان می شد که عملی را انجام داده؛ در حالی که انجام نداده بود؛ مثلاً یک روز و یا یک شب بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم دعا کردند، باز دعا کردند، باز دعا کردند، سپس فرمودند:

«يَا عَائِشَةُ اشْعَرْتِ أَنَّ اللَّهَ أَفْتَانِي فِيمَا اسْتَفْتَيْتُهُ فِيهِ؟ جَاءَنِي رَجُلَانِ فَقَعَدَا أَحَدُهُمَا عِنْدَ رَأْسِي وَالْآخَرَ عِنْدَ رِجْلِي، فَقَالَ الَّذِي عِنْدَ رَأْسِي لِلَّذِي عِنْدَ رِجْلِي، أَوِ الَّذِي عِنْدَ رِجْلِي لِلَّذِي عِنْدَ رَأْسِي: مَا وَجَعَ الرَّجُلُ؟ قَالَ: مَطْبُوبٌ، قَالَ: مَنْ طَبَّهُ؟ قَالَ: لَبِيدُ بْنُ الْأَعْصَمِ، قَالَ: فِي أَيِّ شَيْءٍ؟ قَالَ: فِي مُشْطٍ وَمُشَاطَةٍ، قَالَ: وَجَفَّ طَلْعَةٌ ذَكَرَ، قَالَ: فَأَيْنَ هُوَ؟ قَالَ: فِي بئرِ ذِي أَرْوَانَ»

ترجمه: ای عایشه آیا دانستید که الله (سبحانه و تعالی) در خصوص چیزی که طالب معلومات شدم، معلومات داده است؟ دو مرد در نزد آمدند که یکی شان در پشت سرم نشست و دیگری در پایان پایم، آن که در پشت سرم نشست

به آن شخص که در پایان پیام نشست، گفت، و یا آن که در پایان پیام نشست، به آن که در پشت سرم نشسته بود، گفت: درد این مرد چیست؟ وی جواب داد و گفت؛ این سحر شده است. او گفت؛ چی کسی آن را سحر نموده؟ گفت: لبید این اعصم، گفت در چی چیزی؟ گفت در بافت موئی گفت و ظرف، گفت کجا است او؟ گفت در چاه ذی اروان.

گفت: سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم آن را در نزد گروه از اصحابش آورد و گفت:

«يَا عَائِشَةُ وَاللَّهِ لَكَانَ مَاءَهَا نِقَاعَةَ الْحِثَاءِ، وَلَكَانَ نَخْلَهَا رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ»

ترجمه: ای عائشه، قسم به الله آب آن چاه مانند سرخی حناء بود و سر درختان آن مانند سر شیطان!

عائشه گفت؛ سپس من گفتم: یا رسول الله آیا آنرا سوختاندی؟ ایشان فرمودند:

«لَا أَمَا أَنَا فَقَدْ عَافَانِي اللَّهُ، وَكَرِهْتُ أَنْ أُثِيرَ عَلَى النَّاسِ شَرًّا، فَأَمَرْتُ بِهَا فُدْفِنْتُ»

ترجمه: نه، الله (سبحانه و تعالی) مرا شفا داد و من نخواستم که با بیرون کردن آن از چاه شر را بر مردم به وجود بیاورم، امر کردم و در همان چاه دفن شد.

با تعمق به این حدیث واضح می شود که این حدیث به مسائل ذیل در تعارض است:

۱- این حدیث با عصمت رسول الله صلی الله علیه وسلم در تعارض قرار می گیرد؛ مثلاً این حدیث طوری بیان می کند که رسول الله صلی الله علیه وسلم سحر شده و او طوری گمان می کرد که عمل را انجام داده؛ در حالی که انجام نداده بود و او فکر می کرد که نماز ظهر را اداء نموده؛ در حالی که اداء نکرده بود و یا مثل این؛ در حالی که این موارد به صورت طبیعی طوری می رساند که گویا رسول الله صلی الله علیه وسلم به اعمال و افعالی پرداخته که وحی نبوده و تمام این چیزها متناقض با عصمت رسول الله صلی الله علیه وسلم در اعمال و اقوال آن حضرت صلی الله علیه وسلم است؛ مگر در وحی.

۲- این علاوه بر آن است که رسول الله صلی الله علیه وسلم لبید بن اعظم ساحر را به قتل نرسانده، در حالی که او منافق بوده، چنانچه در در بخاری آمده است که بر او احکام اسلام تطبیق شد، فقهاء در خصوص قتل ساحر ذمی اختلاف کردند؛ ولی در خصوص قتل مسلمان ساحر با تکمیل شروط آن اختلاف نکردند؛ در حالی که لبید در ظاهر مسلمان بود و احکام اسلام بر آن تطبیق شد، با وجود آن حسب روایات وارده به قتل نرسید.

۳- سوم تعارض مفهوم آیات کریمه به این حدیث می آید:

الله سبحانه و تعالی فرموده است:

﴿نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَى إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِنَّا تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا

مَسْخُورًا﴾ (اسراء: ۴۷)

ترجمه: آنگاه که به سخنان تو گوش می دهند، ما بهتر می دانیم که به چه چیزی گوش می دهند و نیز

هنگامی که با هم نجوا می کنند و ستم گران می گویند شما جز از مردی سحر شده پیروی نمی کنید.

﴿وَقَالُوا مَا لِهَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا (۷) أَوْ

يُلْقَى إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا (۸) انظُرْ كَيْفَ

ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا﴾ (فرقان: ۷-۹)

ترجمه: و گفتند این چه رسولی است که غذا می خورد و در بازارها می گردد؟! چرا فرشته ای بر او نازل نشده تا

به همراهش هشدار دهنده باشد؟ یا چرا گنجی بر او افکنده نشده؟ چرا باغی ندارد که از آن بخورد؟ و

ستم گران گفتند شما جز از مردی جادوزده ای پیروی نمی کنید. بنگر چگونه برای تو مثلها زدند؛ به این

ترتیب گمراه شدند و ره به جایی نمی برند.

چنانچه در فوق بیان کردیم. بناءً این حدیث و تمام احادیث صحیح السنند که بیان گر سحر رسول الله صلی الله علیه و سلم است،

از جهت درایت رد شده، یعنی رسول الله صلی الله علیه و سلم سحر نشده است... زیرا وقتی حدیث صحیح السنند باشد؛ اما با آیه

کریمه قطعی در تعارض قرار گیرد، آن حدیث از جهت درایت مردود می باشد.

امیدوارم که به همین حد کفایت کند و الله سبحانه و تعالی از همه عالم تر و در کارش باحکمت تر است.

برادرتان عطاء ابن خلیل ابوالرشته

مترجم: مصطفی اسلام